

سبک زندگی در آئینه امام حسین (ع)

سیده سوسن فخرائی

استادیار تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور

اکبر یاوری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، گرایش تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور ایران

چکیده

امروزه ما برای داشتن یک زندگی سالم و آسوده هم در این دنیا و هم در آخرت، نیاز به روش درست زندگی، یا همان سبک زندگی صحیح داریم و این مطلب بر هیچ کس پوشیده نیست. بر طبق مبانی و اصول دین اسلام، سبک زندگی پیشوایان معصوم(ع)، بهترین شیوه زندگی و سپهر «حیات طیبه» در جهان محسوب می‌شود. از این رو گسترش آن در جوامع اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر است. لذا این مقاله درصدد است تا با روش کتابخانه‌ای و نگرشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن کریم و روایات، سبک زندگی در آئینه امام حسین (ع) را، مورد ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اولیاء ا...، امام حسین (ع)، دنیا و آخرت

^۱ نویسنده مسئول: a.yavar9037@gmail.com

انسان موجودی هدفمند است، لذا در همه حال، باید سمت و سوی خود را به سمت هدفی درست و والا، جهت گیری کند تا از مسیر منحرف نشود. لذا به منظور حفظ انسان در مسیر تعیین شده و اصلاح انحرافات احتمالی نیاز به یادگیری روش درست زندگی و یا سبک زندگی پسندیده است. به عقیده صاحب نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزشهای حاکم بر آن فرد و جامعه است (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰). سبک زندگی در شکل نوین، اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل به آن پرداخته‌اند. محققان، تعاریف گوناگونی بر اساس بینش و نگرش خاص خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید دارند و روانشناسان بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲). در تعریف دیگری، لوبوویکی - ویکوک و همکاران (۲۰۲۱) بیان کردند که سبک زندگی، بیشتر به عنوان «الگوی متمایز رفتار فردی و اجتماعی، مشخصه یک فرد یا یک گروه شناخته می‌شود (لوبوویکی - ویکوک و همکاران (۲۰۲۱)). در اسلام و از نظر قرآن نیز، سبک زندگی و نوع زیستن انسان‌ها، معرفی شده است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۸). بر این اساس، می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی، برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش، به کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی، فقط مصارف مادی یا فرهنگی نیست، چراکه زندگی، عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲).

در سال‌های اخیر، هجوم عظیمی از سوی رسانه‌های غربی به ابعاد مختلف دین اسلام و سبک زندگی مسلمانان، صورت گرفته است. چنانچه گروهی از مردم، تحت تأثیر تبلیغات و رسانه‌های غربی، بسیاری از عادات خود را تغییر می‌دهند، تغییر در سبک زندگی، بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مسلمانان از جمله معیارهای تقوا، عقل، اخلاق و... تأثیر گذار است. به طور کلی تأثیر منفی رواج سبک زندگی غربی، نه تنها در ایران و کشورهای اسلامی، بلکه حتی در بین ملت‌های غیرمسلمان، به طور فزاینده‌ای مورد توجه و انتقاد قرار می‌گیرد و پیامدهای آن به شدت احساس می‌شود. از این رو به منظور جلوگیری از نفوذ افراطی سبک زندگی غربی، در عمق اندیشه افراد جامعه ما، بررسی سبک زندگی پیشوایان معصوم (ع) و گسترش آن در جوامع اسلامی ضرورتی انکار ناپذیر است. چرا که اصول بنیادین سبک زندگی اسلامی، به تعبیر قرآن، سپهر «حیات طیبه» را شکل می‌دهند.

به بررسی محققین، پژوهش‌هایی با موضوع بررسی سبک زندگی در قرآن و روایات و معصومین بطور کلی، کار شده است و نیز پژوهش‌های بسیاری به عاشورا و حضور امام در آن صحنه پرداخته‌اند، اما به طور مستقیم به بررسی جزئیات سبک زندگی امام حسین (ع) نپرداخته‌اند. براین اساس، پژوهش حاضر برآن است که به برخی از جزئیات در شیوه و سبک زندگی امام حسین (ع) بپردازد.

مبانی تحقیق

بحث درباره سبک زندگی از ابتدای تاریخ بشریت تاکنون مورد توجه بوده است. در آیین اسلام نیز به این امر پرداخته شده است. چنانچه قرآن کریم، نوع زیستن را به انسان‌ها معرفی می‌کند؛ (یوسف‌زاده‌اربط، ۱۴۰۰). علاوه بر این سنت پیشوایان معصوم (ع) نیز، بی‌اعتنایی به امور مادی و تکلفات بوده است و خود به آن عمل و به دیگران در این باره سفارش می‌کردند (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲). به طور کلی سبک زندگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه آن، باورها و اندیشه‌ها و ساقه و شاخه‌هایش، ارکان و وظایف اعضای خانواده می‌باشد (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲). سبک زندگی در شکل نوین اولین بار

در روانشناسی توسط «آلفرد آدلر» (۱۹۲۹) مطرح شد (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲). اما از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد استقبال بیشتری قرار گرفت (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰). در مورد سبک زندگی تعاریف گوناگونی از نظر محققان ارائه شده است. لوبوویکی-ویکوک^۳ (۲۰۲۱) بیان کردند که سبک زندگی «الگوی متمایز رفتار فردی و اجتماعی به عنوان مشخصه یک فرد یا یک گروه» می‌باشد (لوبوویکی-ویکوک، ۲۰۲۱). جامعه‌شناسان نیز، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید دارند (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲). به طور کلی سبک زندگی مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی تعریف می‌شود که اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر زندگی برگرفته شده است و در قالب آداب و رسوم و عادت‌های روزمره مدل دینداری، الگوی مصرف، فرهنگ عمومی، نهاد خانواده و ازدواج و غیره تجلی پیدا می‌کند (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰). مفهوم سبک زندگی اخیراً مورد توجه اندیشمندان و محققان زیادی قرار گرفته است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه اشاره شده است.

یوسف‌زاده‌اربط (۱۳۹۸) در پژوهشی که به بررسی اصول سبک زندگی قرآنی پرداخته و نتیجه گرفتند که، در بعد بینشی سبک‌زندگی اسلامی؛ عقیده به اشتراک در اصل خلقت، برخورداری انسان از کرامت ذاتی و تفاوت‌های طبیعی زن و مرد؛ و در بعد کنشی؛ به اصولی از جمله حق‌مداری، ولایت‌مداری، امانت‌داری، جمع‌گرایی، تقدم اخلاق بر حقوق و مانند آن استوار است. علاوه بر این در پژوهشی که مرادی و همکاران (۱۳۹۵) به واکاوی سبک زندگی امام حسین (ع) با تأکید بر روابط خانوادگی ایشان پرداختند، بیان کردند که، سبک زندگی امام حسین (ع) با مولفه‌هایی همچون: آراستگی، صلح‌رحم، حسن خلق، خوش‌رفتاری، ساده‌زیستی و تمکین و وفاداری نسبت به همسر، تربیت فرزند، مهارت ارتباط کلامی، اصلاح خود، تفریح، کنترل خشم، مرگ آگاهی، تاب‌آوری و مانند آن، عجین است که می‌تواند الگوی بهبود روابط زوجین و فرزندپروری شایسته آنان شود و نیز مایه دوام یک زندگی مشترک پویا و در نهایت جامعه‌ای توانمند گردد. در پژوهش دیگری فاضلی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی سبک زندگی قرآنی (شامل تعریف سبک زندگی، مسئله ازدواج همراه با معیارهای انتخاب همسر و وظایف هر یک از اعضای خانواده برای تشکیل خانواده) پرداختند. نتایج پژوهش مذکور حاکی از این بود که، وظایف هر یک از اعضای خانواده که منجر به تشکیل یک خانواده قرآنی و داشتن یک زندگی سالم می‌شود، چیست؟ در پژوهشی دیگر، شریفی و همکاران (۱۳۹۲)، سبک خانوادگی از منظر قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)، بررسی شده و در ابعاد تشکیل خانواده و ازدواج، محیط خانواده و اداره آن و همسرپروری، بیان کردند که باورها و اعتقادات، نقشی اساسی در خانواده دارند و ازدواج را امر مقدسی می‌دانند و همگان را به این امر فرا خوانده است و به آن تشویق می‌نمایند و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند و مدیریت خانواده را به مرد و لزوم مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مخصوصاً مسئولیت تربیت دینی پدر نسبت به فرزندان و همکاری زن و شوهر در خانه را ضروری می‌دانند و تأکید به رفتار شایسته با همسران و محبت و مهرورزی نسبت به آنان می‌نمایند. همچنین حاج و همکاران^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی که به بررسی تأثیر محافظتی پروفایل‌های سبک زندگی معنوی- مذهبی بر مصرف دخانیات، مصرف الکل و قمار پرداخته بودند، به این نتیجه رسیدند که از میان سه نمایه سبک زندگی (نه معنوی و نه مذهبی، معنوی و مذهبی، و معنوی اما غیر مذهبی) نمایه سبک زندگی معنوی و مذهبی، قوی‌ترین تأثیر محافظت را در معیارهای وابسته، به نمایش گذاشت.

^۳ Lubowiecki-Vikuk et al

^۴ Hodge et al

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی، با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از مقالات و کلیه متون و اسناد بالادستی بوده است و با تکیه بر آیات قرآن کریم، اصول و شاخصه‌های سبک زندگی پیشوایان معصوم(ع) و بویژه امام حسین(ع)، بررسی شده است. براین اساس، با توجه به هدف و ماهیت موضوع تحقیق، پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. در نهایت، یک ارزیابی از تحقیقات مورد استفاده انجام شده و اصول بنیادین سبک زندگی امام حسین(ع) بدست آمده که به توسعه، ارتقاء و برجسته شدن سبک زندگی پایدار، کمک می‌کند.

یافته‌ها

خداوند متعال، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت(علیه السلام) آن حضرت را برای اهل عالم، به ویژه پیروانشان، به عنوان الگو آفریده است. مسلمانان جهان، وظیفه دارند در تمام شئون زندگی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و غیره به معصومین اقتدا نمایند. در این پژوهش سعی شده به برخی از خصوصیات و جزئیات سبک زندگی امام حسین(ع)، پرداخته شود.

ساده زیستی

در اسلام تجمل‌گرایی، زراندوزی و تشریفات سخت مورد نکوهش قرار گرفته و از اسراف و تبذیر به زشتی یاد شده است (شیبانی، ۱۳۹۳). چرا که تجمل‌گرایی، موجب بی‌تفاوتی نسبت به تبعیض، ظلم و تعدی، فقر و بیچارگی مردم و در نتیجه از دست دادن احساس همدردی و همدلی می‌گردد. به عبارت دیگر افراد تجمل‌گرا، ملاک فضیلت دیگران را در خورداری‌های دنیوی می‌دانند (برزگر و امانلو، ۱۳۹۵). قرآن از واژه مَلَأُ برای ارائه جایگاه اجتماعی باند و تشکیلات استکبار و کسانی که تاج و تخت مستکبرین را پاسداری می‌کنند و به منظور حفظ منافع و موقعیت اجتماعی خود حکومت استکبار را اداره و سیاست مستکبران را بنیان می‌نهند، استفاده می‌کند. مَلَأُ در لغت به گروه ممتازی گفته می‌شود که به خاطر ثروت و شوکتشان چشمگیر هستند؛ و چشم و دل مردم را با هیبتی که از زر و زور و تزویر بدست آمده پر کرده‌اند و آنها طبقه اشراف و حاشیه نشینانی هستند که همواره سخن و فرمان، همانا سخن و فرمان آنهاست؛ و مستکبران هرگاه خود نخواهند مستکبری کنند، این مقربان کاخ نشین هرگز به نفع مردم رضا نمی‌دهند (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

امامان شیعه، در زندگی نه زیاده روی را قبول داشتند و نه کوتاهی و استفاده نکردن از نعمت‌های الهی را، آنها بین این دو را قبول داشتند یعنی به اعتدال، از مواهب الهی استفاده می‌کردند که دلبسته و اسیر تجملات دنیوی نشوند. یکی از ابعاد ساده زیستی در زندگی قناعت است. امام حسین(ع) در این باره فرمودند: «قناعت مایه آسایش تن است»^۱ (ری شهری، ۱۳۸۸: ۵۸۵). یکی دیگر از ابعاد ساده زیستی در زندگی پوشیدن لباس مناسب است که هم حجاب ما باشد و شخصیت ما را حفظ کند و

^۱ «إِلَىٰ ۖ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» به سوی فرعون و اشراف قومش، آنها هم تکبر و نخوت کردند، زیرا آنان مردمی متکبر و سرکش بودند. (آیه ۴۶ سوره مؤمنون). «وَقَالَ مُوسَىٰ ۖ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ۗ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ ۖ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَنْسُدْ عَلَيَّ ۖ فُلُوْهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ ۖ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»؛ و موسی عرض کرد: بار الهی تو به فرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که -پروردگارا- بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند، بار خدایا، اموال آنها را نابود گردان و دل‌هایشان را سخت بریند که ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند (سوره یونس، آیه ۸۸).

^۲ الْفُتُوغُ رَاحَةُ الْأَيْدِي؛

مارا انگشت نما نکند و هم در آخرت گرفتار عذابمان نکند. در این زمینه امام حسین می‌فرماید هر کس لباس شهرت و انگشت نما از هر جهت بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می‌پوشاند (شیخ کلینی، ج ۶ ص ۴۴۵ حدیث ۴).

شیوه رفتار با همسر و فرزندان

یکی از نکات قابل توجه در سیره پیشوایان معصوم (علیه السلام)، نحوه رفتار آنان با خانواده است. در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مراجعه به منابع تاریخی به گوشه‌هایی از سیره اخلاقی امام حسین (علیه السلام)، در خانواده بپردازیم؛ هر چند به خاطر طبیعت موضوع و نیز شرایط اجتماعی، حجم شواهد و موارد بر جای مانده در تاریخ، در این خصوص فراوان نیست؛ همین اندک نیز بسیار ارزشمند و گویاست.

در تاریخ می‌خوانیم: روز عاشورا هنگامی که هلال بن نافع، عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می‌گریست. امام حسین (علیه السلام)، متوجه آن زوج جوان گردیده و به هلال فرمود: *إِنَّ أَهْلَكَ لَا يُطِيبُ لَهَا فِرَاقَكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ أَنَّ تَخْتَارَ سُورَهَا عَلَيَّ الْبِرَّازَ (شریفی، ۱۳۸۳)*. همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد، تو آزادی و می‌توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.

امام حسین (علیه السلام) به خواست، علاقه و حسن‌زیبایی دوستی همسرش، توجه خاصی می‌نمود و برخی اوقات به همین خاطر با انتقادات اصحاب و دوستان خود روبه‌رو می‌شد؛ ولی به خواست طبیعی و مشروع همسر خویش احترام می‌گذاشت.

در روایت دیگر جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: *عَدَّهْ أَيُّ بَرِّ امَامِ حُسَيْنٍ (علیه السلام) وَارِدَ شَدْنِدْ؛ نَاگَهْ فَرَشْ هَايْ گَرَانْ قِيَمْتْ وَ پِشْتِي هَايْ فَآخِرْ وَ زِيبَا رَا دَر مَنزَلْ آنْ حَضْرَتْ مَشَاهِدَهْ نَمُودَنْدْ. عَرْضْ كَرْدَنْدْ: أَيْ فَرْزَنْدْ رَسُولْ خَدَا! مَا دَر مَنزَلْ شَمَا وَسَايِلْ وَ چِيْزَهَايِي مَشَاهِدَهْ مِي كَنِيْمْ كِهْ نَاخُوشَايَنْدْ مَاسْتْ (وجود این وسایل در منزل شما را، مناسب نمی‌دانیم!) حَضْرَتْ فَرْمُودْ: إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، كَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ. اَزْ اَزْدَوَاجْ، مَهْرِيَهْ زَنَانْ رَا پَرْدَاخْتْ مِي كَنِيْمْ وَ آنْهَا هَرْ چِهْ دُوسْتْ دَاشْتَنْدْ، بَرَايْ خُودْ خَرِيْدَارِي مِي كَنْدْ. هِيْچْ يَكْ اَزْ وَسَايِلِي كِهْ مَشَاهِدَهْ نَمُودِيْدْ، اَزْ آنْ مَا نِيْسْتْ. (ری شهری، ۱۳۹۱: ۱۸۹).*

همچنین در بعضی روایات دیگر آمده است که امام حسین (ع) در باب همسر و فرزند خویش شعر سروده‌اند: *لَعْمُرُكُ اِنْتِي لَأَحِبُّ دَارَا * تَخَلُّ بِهَا سَكِيْنَةُ وَ الرَّبَابُ، أَحِبَّهُمَا وَ اَبْدَلُ جُلَّ حَالِي * وَ كَيْسَ لَنَا فِيهَا عِتَابٌ؛ بَهْ جَانْ تُو سُوگَنْدْ! مَن خَانَهَايْ رَا دُوسْتْ دَارَمْ كِهْ سَكِيْنَهْ وَ رَبَابْ دَرْ آنْ بَاشَنْدْ. آنْهَا رَا دُوسْتْ دَارَمْ وَ تَمَامِي دَارَايِي اَمْ رَا بَهْ پَايْ آنْهَا مِي رِيْزَمْ وَ هِيْچْ كَسْ نَبَايْدْ دَرْ اَيْنْ بَارَهْ بَا مَن سَخْنِي بگوِيْدْ (بلاذری، ۱۴۱۷ ه. ق: ۱۹۵). اَيْنْ اَمْرْ، نَشَانْگَرْ اَرْتِبَاطْ صَمِيْمِي اَمَامْ بَا هَمْسَرَشْ رَبَابْ وَ فَرْزَنْدَشْ سَكِيْنَهْ اسْتْ. بَهْ طُورْ كَلِيْ اَزْ اَيْنْ رُوَايَاتْ وَ نَظَايِرْ آنْ، بَهْ خُوبِي اسْتِفَادَهْ مِي شُودْ كِهْ اَمَامْ حُسَيْنٍ (علیه السلام) وَ سَاثَرِ اَثْمَهْ اَطْهَارْ (علیه السلام) بَهْ حَسَنَ زِيْبَايِي دُوسْتِي هَمْسَرِ خُودْ، اَحْتِرَامْ مِي كَذَاشْتَنْدْ وَ اَمَكَانَاتْ لَازِمْ رَا دَرْ حَلَّةْ مَتَعَارَفْ آنْ زَمَانْ، بَرَايْ آنْهَا فَرَاهَمْ مِي نَمُودَنْدْ.*

شیوه برخورد با دشمنان

یکی از مواردی که در قرآن و در سیره پیشوایان معصوم (علیه السلام) مورد تأکید قرار گرفته است، رفق و مدارا می‌باشد. همانطوری که در قرآن کریم آمده است: *«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ..»*؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] (نرم و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند (آل عمران، ۱۵۹). در متون و منابع غنی اسلام گرچه تأکید و سفارش ویژه‌ای نسبت به رفق و مدارا در تعامل با مردم کرده‌اند، اما خود رهبران (ع) نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که رفق و مدارا و ملایمت در برخورد با مردم به ویژه کارکنان و

زیر دستان، به هیچ وجه مطلق و همیشگی نیست، بلکه مسئله‌ای است که نسبت به اقتضائات و شرایط مختلف ممکن است تفاوت کند (آقایروز و همکاران، ۱۳۸۳). خداوند متعال نیز در برخورد با مردم، هم لطف و رحمت و محبت دارد، و هم شدت و تندی عذاب؛ از یک طرف در مورد خودش می‌فرماید: «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِيهِ الرَّحْمَةَ» یعنی رحمت را بر خود واجب کرده است (انعام: ۱۲)؛ و از طرف دیگر می‌فرماید: «إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» یعنی همانا عذاب من بسیار سخت است (ابراهیم: ۷). سیاست رفق و مدارا در صورتی مطلوب و منطقی است که مورد سوء استفاده قرار نگیرد؛ و در صورتی که از این سیاست سوء استفاده شود، سیاست شدت عمل و دوری از رفق و مدارا ضرورت می‌یابد و به عنوان یک اصل کلی در تعاملات اجتماعی مورد تأیید است (آقایروز و همکاران، ۱۳۸۳). مصداق سیاست شدت عمل و دوری از رفق و مدارا در شیوه برخورد امام حسین (ع) در روز عاشورا با لشکر یزید مشهود است. هنگامی که هزارتن از سواران لشکر یزید به فرماندهی حربین یزید تمیمی یربوعی به نزدیک کربلا رسیدند، امام (ع) به جوانان خود دستور داد که، با مشک‌های آب به استقبال آنان بروند و ایشان همگی آب نوشیدند و اسب‌های خود را نیز سیراب کردند و همگی در سایه اسب‌های خود نشستند در حالی که لگام‌های آنان در دست ایشان بود. چون ظهر فرا رسید امام حسین (ع) به حر فرمود: آیا همراه ما نماز می‌گذاری یا تو با یاران خودت و من با یاران خودم نماز بگذارم؟ حر گفت: همگان با تو نماز می‌گذاریم در این زمان امام حسین (ع) پیش رفت و با همگان نماز گذارد (دنیوی، ۱۳۷۱). از سوی دیگر امام حسین (ع) در مبارزه با ظلم و حاکم ستمگر هیچ گونه ضعفی از خود نشان نمی‌داد. چنانچه در شیوه‌ی برخورد امام با ظلم و ستم معاویه و پسرش یزید مشاهده شده است که امام (ع) و یاران با وفایش در روز عاشورا شجاعان در برابر ظلم یزید ایستادگی کردند و بدین‌سان یک رسالت بزرگ تاریخی توسط حسین بن علی و یاران بزرگوارش به انجام می‌رسد (ابن عثم کوفی، ۱۳۷۲).

شیوه خداشناسی و خدامحوری

معرفت و خداشناسی شرط اساسی ورود به طریقت و نیل به حقیقت (عباسی منتظری، و فرهادی، ۱۳۹۲)؛ و از اساسی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین اعتقادهای یک مسلمان است. به طوریکه پیامبران الهی و اوصیاء آنها برای تقویت آن در میان مردمان تلاش می‌کردند و هدف آن رساندن انسان‌ها به توحید نظری و عملی بوده است (قانع، ۱۳۹۳). چرا که اگر انسان، به خوبی توحید را در نظر و فکر بفهمد و مطابق آن عمل کند، به یقین، به اصول دیگر نیز معتقد است و به تمامی بایدها و نبایدها شریعت پایبند خواهد بود (قانع، ۱۳۹۳).

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ... : و آنها خدا را آن گونه که باید، نشناختند^۷ که گفتند: خدا بر هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده (انعام: ۹۱). یعنی انکار نبوت ریشه در نشناختن خداوند دارد.

همچنین می‌فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ و (آنان که غیر خدا را طلبیدند) خدا را چنان که شاید به عظمت نشناختند، و اوست که روز قیامت زمین در قبضه قدرت او و آسمانها در پیچیده به دست سلطنت اوست. (زمر: ۶۷). انکار معاد نیز ریشه در نشناختن خدای متعال و صفت‌های او دارد.

همچنین می‌فرماید: «أَيُّحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ»: آیا پندارد احدی او را ندیده (و افکار و اعمال بدش را ندانسته و ریا و نفاقش را نمی‌داند) (بلد: ۷). چنانچه ملاحظه می‌شود ریشه بداندیشی‌ها و بدکاری‌ها در این نهفته است که انسان مغرور و خودستا بی‌خبر است که خدا از پندار و گفتار او مطلع است؛ و نسبت به حضور خدای متعال و علم او و دیگر صفاتش منکر

^۷ «مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ»؛ خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند (سوره حج، ۷۴)

یا غافل است. لذا آنچه که بعد از ایمان راسخ به خدا در زندگی ما مؤثر است باور به خدا و او را در صحنه زندگی حاضر دانستن است. به طوری که مصداق «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، در زندگی او تجلی یابد و خود را همیشه در محضر خدا بداند (فیض الاسلام، ۱۳۶۶، خطبه ۹۰، ۲۴۰؛ به نقل از برزگر و امانلو، ۱۳۹۵). در کلام و عمل امام حسین(ع)، خدا در زندگی فردی و صحنه سیاست حضور دارد: خداوند در نظر آنان بزرگ و غیر او در دیده آنها کوچک است... (فیض الاسلام، ۱۳۶۶؛ خطبه ۱۸۴، ۶۱۱؛ به نقل از برزگر و امانلو، ۱۳۹۵).

امام حسین، صبح عاشورا در حالی که سوار بر اسب بود و قرآنی جلوی روی خود گذاشته بود و یارانش در پیشگاهش نبرد می‌کردند دست بلند می‌کند و می‌فرماید: «خداوندا تو در سختی و مصیبت یار و پناه من هستی من در کار دشوار به تو امیدوارم. تو در هر شدت و کار مشکلی که پیش می‌آید پناه و یاور من هستی. تو پشت و پناه و نیرو حامی من هستی، چندین هم و غم که قلب را زبون و چاره را اندک و دوست را دور و دشمن را نزدیک می‌کند، من شکایت آن را در پیشگاه تو کردم و تو آن را زایل کردی. شکایت من نزد تو منحصر به تو می‌باشد که از دیگران خودداری کردم و به تو توسل نمودم و تو آن را از بین بردی و مرا یاری کردی و بی‌نیاز نمودی. تو صاحب نعمت و هر کار نیکی و به تو پناه برده می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۷۱).

جایگاه نماز و دعا در نزد امام حسین (ع)

یکی از جلوه‌های مهم نهضت مقدس عاشورا، اهمیت دادن به نماز، آن هم در اول وقت است که امام حسین(ع) به زیبایی آن را در ظهر عاشورا، به نمایش گذاشت. در نوشتار حاضر جایگاه نماز در سیره امام حسین(ع) در حادثه کربلا و ضرورت الگوگیری از آن مورد بررسی قرار گرفته است.

به طور کلی نماز و دعا، جایگاه خاصی در اسلام دارند چنانچه نماز را به ستون، برای دین تشبیه کرده‌اند. برای اهمیت نماز، اگر به همین مورد بسنده کنیم، کافی است. چرا که اگر دین ستونی نداشته باشد از بین می‌رود. جایگاه نماز و دعا نزد پیشوایان معصوم(ع)، از چنان اهمیتی برخوردار است که در روز نهم محرم، وقتی سپاه دشمن به قصد حمله به طرف خیمه‌های امام حرکت می‌کند، امام حسین(ع) برادرش عباس را با تعدادی سوار به سوی آنها می‌فرستد که ببیند مقصود آنها چیست و برای چه آمده‌اند؟. عباس از آنها می‌پرسد و آنها در جواب می‌گویند: یا تسلیم حکم امیر شوید و یا با شما جنگ می‌کنیم. حضرت عباس(ع)، پیامشان را برای امام می‌آورد و امام از عباس می‌خواهد که از آنها، از دشمن برای راز و نیاز و عبادت، فرصت بگیرد(محمد بن جریر طبری، ۱۳۷۵).

از سوی دیگر، در ظهر عاشورا " چون هنگام نماز ظهر رسید، ابو ثمامه صاندی به امام حسین گفت: جانم به فدای تو، من چنین می‌بینم که این قوم به تو نزدیک شده‌اند. به خدا کشته نخواهی شد مگر اینکه من اول در پیشگاه تو کشته شوم. دوست دارم نزد خدا بروم در حالیکه نماز را به اول وقت خود خوانده باشم که وقت نماز رسیده است. حسین سر خود را بلند کرد و گفت تو نماز را یادآوری کردی، خداوند تو را در اعداد نماز خوانان و شکر گزاران نعمت، محسوب بدارد. اینک نخستین وقت آن رسیده است. از آنها درخواست کنید که متارکه کنند تا ما نماز بخوانیم آنها هم چنین کردند". (ابن اثیر، ۱۳۷۱).

اما نتیجه‌ای که می‌توان از بحث‌های مربوط به نماز امام حسین(ع) در روز عاشورا گرفت اینکه امام در روز عاشورا تکلیف همگان را روشن کرده است و هیچ عامل و شرایطی نمی‌تواند انسان را از اقامه نماز و اصرار بر آن بازدارد و کوتاهی در واجبات نماز یا مستحبات آن، کوتاهی در شرایط یا مقدمات آن، همه و همه با پیرو راستین امام حسین(ع) بودن، ناسازگار است.

آزادی و آزادگی

یکی از اصیل‌ترین پایه‌های نظام دینی اسلام، به ویژه اسلام شیعی اصل آزادی^۸ است (میرغیائی، ۱۳۹۳). دهخدا، کلمه آزادی را حریت، جوانمردی، اصالت، نجابت، شرافت و مروت و... تعریف می‌کند (دهخدا، ۱۳۲۵). از نظر اسلام، آزادی پدیده‌ای انسانی است که در سرشت آدمی نهاده شده است (میرغیائی، ۱۳۹۳)؛ و یک امر قرار دادی و جعلی نیست بلکه امری فطری است که با خلقت هر انسانی در نهاد او به ودیعه گذاشته می‌شود و کسی را حق سلب آن از دیگری نیست (باقری، ۱۳۷۶: ۱۹۸). همچنین خداوند انسان را در برابر هدایت حکیمانه انبیا، آزاد گذارده است، به این معنی که او در عین موظف و مسئول بودن در برابر آینده‌اش، در انتخاب آن آزاد است، زیرا انسان موجودی با ادراک و قدرت تشخیص است، از این رو مسئولیت خواهی از او باید بر اساس انتخاب باشد: در آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است. خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به او نمودیم حال خواهد (هدایت پذیرد و) شکر (این نعمت) گوید و خواهد (آن نعمت را) کفران کند (دهر، ۳). در آیه دیگری می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»؛ و بگو: دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد، پس هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کافر شود (کهف ۲۹). همچنین در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (رعد، ۱۱). علاوه بر این، امام علی (ع) بیان می‌دارند که، هیچ یک از آدمیان آقای دیگری و یا برده و بنده دیگری آفریده نشده‌اند، بلکه تمامی انسانها به طور یکسان، آزاد به دنیا آمده‌اند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست^۹ (باقری، ۱۳۷۶: ۱۹۸/۱).

براین اساس، آزادی یعنی نفی اطاعت هر آنچه غیر خداست و بندگی و خضوع فقط در برابر خالق هستی و نظام آفرینش است. به تعبیر دیگر، آزادی یعنی رفع و نبود کلیه عواملی که مانع تکامل و تعالی انسان و تجلی استعدادها و شخصیت انسانی او می‌باشد (شعبانی، ۱۳۷۳)؛ که به موجب آن، افراد بتوانند استعداد و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۹۶). لذا یکی از امتیازات افراد آزادی اراده توأم با مسئولیت است که به موجب آن می‌توانند سرنوشت خویش را رقم زنند و نتیجه کار خوب و بد خویش را ببینند^{۱۰} (هاشمی، ۱۳۷۸).

یکی از زیباترین برخوردها در زمینه آزادی و آزادگی، برخورد امام حسین (ع) در شب عاشورا با اصحابش است. از یک طرف امام و یاران اندکش و از طرف دیگر سپاه بی‌شمار دشمن. اما امام به جای اینکه حرف از ماندن اصحاب و مقابله با دشمن بزند از آنها می‌خواهد که اگر مایلند آنجا نمانند و به دیار خود و نزد خانواده‌شان برگردند. می‌خواهد ماندن آنها بر حسب زور و اجبار نباشد. دلی بمانند و امام چه مهربان و به فکر اصحاب خویش است در شرایطی سخت که وجود یک یار دیگر غنیمی بزرگ است اصحاب را آزاد می‌گذارد بین ماندن و رفتن. او نمی‌خواست دیگران به خاطر او به رنج و زحمت بیفتند. و این یک درس بزرگ هست برای ما که کارمان حتی اگر خیلی مهم هم باشد دیگران را پلی برای انجام رساندن آن نکنیم. و او در آن لحظات بیعت خود را از اصحابش برمی‌دارد و فرمود: «به همه شما اجازه رفتن می‌دهم؛ پس همه آزادید که بروید و بیعتی از من بر گردن شما نیست» (محمد بن جریر طبری، ۱۳۷۵).

⁸ Libertas

^۹ أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً، وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ
^{۱۰} مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

هر کس کار نیک کند به نفع خود و هر که بد کند به زیان خویش کرده است، آن گاه (برای پاداش نیک و بد) به سوی خدای خود بازگردانیده می‌شود.

وفاداری و فداکاری

وفای به عهد و پیمان (سازگاری حرف و عمل فرد) از نظر اسلام دارای چنان اهمیتی است که قرآن کریم در آیات متعددی، مسلمانان را به داشتن چنین خصلت و فضیلتی تشویق و ترغیب می‌کند و آن را از نشانه‌های مؤمنان می‌شمارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ (صف: ۲)؛ «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»، این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد (صف: ۳). همچنین پیامبر(ص) در روایتی به زیباترین شکل اهمیت وفای به عهد را می‌رساند و می‌فرماید: «کسی که به عهد و پیمان خود وفا نکند، دین ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۲). همچنین امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: مبدا و وعده‌ای بدهی و سپس تخلف کنی چون دشمنی بزرگ نزد خدا آن است که بگویی و عمل نکنی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام حسین(ع) در وصف یارانش می‌فرماید: «من یارانی با وفاتر و بهتر از اصحاب خود نمی‌شناسم» (محمد بن جریر طبری، ۱۳۷۵: ۳۰۱۴). چه خوب و چه زیبا امام حسین(ع) آنها را توصیف می‌کند و به همه می‌شناساند این ستایش امام(ع)، منزلت بی‌بدیلی به آنان بخشیده است. براین اساس می‌توان چنین نتیجه گرفته که آن اصحاب امام(ع) در شب عاشورا یک‌صدا از امام حسین(ع) حمایت کرده و وفاداری‌شان را اعلام کردند؛ سپس در روز عاشورا و صحنه نبرد، بر قول و قرار خود با امام ماندند و وعده‌هایشان را در عمل تحقق بخشیدند. آنان با عشق و اخلاص به عرصه نبرد رفتند و حتی در رفتن به میدان جنگ از یکدیگر سبقت گرفتند. چنین رفتار فداکارانه یاران سیدالشهدا، آنان را اسوه‌های وفاداری و الگوهای فداکاری ساخته و نام و یادشان را جاودانه کرده است.

ظلم ستیزی

یک انسان باید در برابر ظلم و ستم دیگران و از جمله سلاطین، سکوت نکند و به آنها اعتراض کند. اگر لازم باشد با آنها مبارزه کند که دست از ظلم و ستم خود بردارند و دیگران از دست آنها آسوده خاطر شوند. نکته ای که در این جا حایز اهمیت است، این است که بعضی اوقات دیگران و از جمله دشمنان، متوجه رفتار خود نیستند و نمی‌دانند که کار آنها بر خلاف حق است در این صورت، باید آنها را نصیحت و راهنمایی کرد تا از بیراهه و اشتباه برگردند. در نتیجه، هم آنها از خسران و نابودی نجات داده می‌شوند و هم دیگران از اقدامات نابجای آنها رهایی می‌یابند. چنانچه نقل شده است: هنگامی که سپاه حر، مواظب حسین بن علی(ع) و سپاه او بودند، امام حسین(ع)، آنها را مخاطب قرار داد و بعد از حمد و ثناء، به نقل از رسول الله فرمودند: ای مردم، هر کس، سلطانی ستمگر و متعدی ببیند که حرام خدا را حلال و عهد پروردگارش را، نقص کند و با سنت پیغمبر خلاف ورزد و نسبت به خلق و بندگان خدا با گناه و تعدی و ستم، رفتار کند و او بر آن سلطان ستمگر، اعتراض نکند و روش او را تغییر ندهد خداوند او را به حق، مانند همان سلطان، مجازات خواهد کرد و هر جا که سلطان ستمگر، داخل شود (دوزخ) او هم داخل خواهد شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱).

در تعبیر و تفسیر این مطلب می‌توان بیان داشت که، امام حسین(ع) شجاع بود و از دشمن هراسی نداشت. چرا که او کسی نبود که به خاطر هیبت ظاهری و دنیوی حاکم، خود را ببازد و تسلیم شود و هر چه او گفت را بپذیرد. با شجاعت تمام و بدون هیچ واهمه‌ای در برابر دشمنان، حاضر می‌شد و حرف حق را می‌زد. امروزه که دنیا سراسر ظلم و ستم شده است و هر روزه شاهد حق کشی در بین مردم و جوامع ضعیف هستیم، لازم است مانند امام باشیم و او را الگو قرار دهیم. مانند کسانی نباشیم که متأسفانه تعداد آنها نیز کم نمی‌باشد که در برابر کوچکترین تهدید همه چیز خود را زیر پا نهاده و علاوه بر اینکه از عقیده خود بر می‌گردند عقیده صاحب تهدید را هم می‌پذیرند و دم نمی‌زنند. شاید بعضی‌ها این گونه تصور کنند که، ما اگر از

دیگران و دشمن می‌ترسیم به خاطر قدرت زیاد آنهاست، علت این نوع نگاه در بی‌ایمانی و اعتقاد پایین و همه چیز را در ظواهر و مادیات دیدن است.

وقتی ولید بن عتبہ پسر عموی یزید، والی مدینه، دنبال حسین (ع) برای بیعت با یزید فرستاد، بعد از آمدن، حسین (ع) فرمود: فردا می‌آیم تا آنچه صلاح می‌باشد را به جا آورم. در این هنگام مروان بن حکم که آنجا حضور داشت به ولید گفت: دست از حسین بردار. یا او را زندانی کن و یا او را گردن بزن که اگر از اینجا رفت به او دسترسی پیدا نمی‌کنی. در این هنگام، حسین بن علی، با خشم به جانب او بازگشت و گفت کدام کس را زهره آن باشد که تند در من نگرده؟ ای پسر زن بدکار، تو مرا گردن زنی یا فرمایی؟ برخیز و خود را بنمای تا بدانی. بعد از آن روی به ولید کرد و فرمود: تو نمی‌دانی که ما اهل بیت رسالتیم و خانه‌ی ما محل رحمت و جای آمد و شد فرشتگان باشد؟ یزید کیست که با او بیعت کنم؟ مردی خمار و فاسق. لکن آنچه گفتم فردا بامداد به جمع حاضر خواهم شد و هر سخنی که باید، در برابر مردم بگویم (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲). نکته ای که در اینجا برداشت می‌شود این است که ضمن دلیری و شجاعت، دشمن را بشناسیم و بدانیم که اعمال و رفتار او چگونه است؟ عقیده او چیست و چگونه زندگی می‌کند؟ و مبارزه با کسی که شناختی از او نداریم و نمی‌دانیم کیست به سرانجام نمی‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

یک اصل مسلم در زندگی، این است که انسان در مسیری که در پیش دارد و برای سعادت‌مندی خود در این دنیا و دنیای دیگر نیاز به الگو دارد. نیاز به یک نمونه کامل، که اعمال و رفتار خود را به او شبیه کند. و چه کسی بهتر از اولیاء... و از جمله امام حسین (ع). با دقت و توجه در زندگی امام حسین (ع) یک سبک زندگی سالم و الهی می‌بینیم که پیروی از آن هم خوشبختی ما را در این دنیا تامین می‌کند و هم عاقبت بخیری و سعادت‌مندی ما را در دنیای عقبی، برآورده می‌کند. الگوگیری از سبک زندگی و اعمال و رفتار امام حسین (ع)، می‌تواند جان‌ها را به تکاپو وادارد و افراد را به بازنگری در اعمال و رفتارشان ترغیب کند. اگر مردم بخواهند وضع زندگی‌شان، اصلاح شود و بتوانند با همدیگر به خوبی در صلح و صفا زندگی کنند، راه آن، قدم گذاشتن در مسیر اولیاء خدا و از جمله امام حسین (ع) و یا همان تغیر سبک زندگی خود به سبک زندگی حسینی می‌باشد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی دیگری در زمینه تأثیر سبک زندگی امام حسین (ع) بر روابط بین فردی در جامعه، روابط بین افراد خانواده و همچنین رابطه بین انسان و خداوند، صورت گیرد.

منابع

- ابن اثیر، عزیزالدین علی (۱۳۰م - ۱۳۷۱ ش). الکامل، تاریخ بزرگ ایران و اسلام. ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اعثم کوفی (۳۱۴ م - ۱۳۷۲ ش). الفتوح. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (۲۸۳م - ۱۳۷۱ ش). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ه.ق). انساب الاشراف، جلد ۱، بیروت، نشر دارالفکر العربی، چاپ اول.
- حسین آبادی، باقر مهدی مظفری؛ دعاگویان داود. (۱۴۰۰). لگوی سبک زندگی مطلوب کارکنان سازمان‌های امنیتی. فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۱۶(۶۱): ۷۲-۴۸.
- رحمتی، مریم. رحمتی کزاز، مهناز. حاجی آقاجان، اعظم. (۱۴۰۰). سبک زندگی با رویکرد قرآنی. فصلنامه رهیافتهای

- نوبین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۱ (۴): ۱۷-۳۴.
- ری شهری، محمد محمدی (۱۳۹۱). دانشنامه امام حسین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی). جلد چهاردهم، نشر موسسه فرهنگی دار الحدیث، ترجمه س طباطبایی نژاد، یدمحمود مسعودی، عبدالهادی سیدطباطبایان سیدروح الله؛ چاپ پنجم.
- ری شهری، محمد مهدی. (۱۳۸۸). میزان الحکمه. / محمد الری شهری؛ تهیه پژوهشکده علوم و معارف حدیث، نشر قم، موسسه دارالحدیث العلمیه والثقافیه، مرکز للطباعه والنشر، چاپ چهارم.
- شریفی، عنایت الله، لطفی، مهرعلی. (۱۳۹۲). سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع). (پژوهشنامه معارف قرآنی) ۴(۱۴): ۸۱-۱۰۰.
- شریفی، محمود (۱۳۸۳). کلمات الامام الحسین (علیه السلام). نشر اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم.
- شیبانی، محمد (۱۳۹۳). اخلاق و سیاست در قرآن و نهج البلاغه. سرای معرفت و اخلاق، ۱۹۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی: حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، صص ۶۰-۶۳.
- طبری، محمدبن جریر (۳۱۰م - ۱۳۷۵ ش). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم.
- فاضلی، حمیدرضا، انصاری مقدم، مجتبی (۱۳۹۸). اصول و شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی (مطالعه موردی هر یک از اعضای خانواده). پژوهش و مطالعات اسلامی. ۱(۷): ۹۱-۱۰۶.
- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، تصحیح عزیز آل طالب، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- مرادی، نگین، کجیاف، محمدباقر، و قمرانی، امیر. (۱۳۹۵). واکاوی سبک زندگی امام حسین (علیه السلام) با تأکید بر روابط با همسر و فرزندان، اسلام و مطالعات اجتماعی، 4(شماره ۱ (پیاپی ۱۳))، ۶۴-۹۰.
- میرغیائی، سید عبدالله (۱۳۹۳). اصل آزادی به منزله یک حق و ظهور جریان‌های فکری در اندیشه سیاسی اسلام. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۴(۴): ۱۰۷-۱۲۸.
- هاشمی، محمد (۱۳۷۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، چاپ سوم، نشر دادگستر.
- یوسف‌زاده‌اربط، حسن. (۱۳۹۸). اصول قرآنی سبک زندگی اسلامی. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۴۴(۱۱) ۶۹-۸۶.
- Hodge, D. R., Andereck, K., & Montoya, H. (2007). The protective influence of spiritual-religious lifestyle profiles on tobacco use, alcohol use, and gambling. *Social Work Research*, 31(4), 211-219.
- Lubowiecki-Vikuk, A., Dąbrowska, A., & Machnik, A. (2021). Responsible consumer and lifestyle: Sustainability insights. *Sustainable production and consumption*, 25, 91-101.